بسمه تعالی

ویژگی­های درونی فرهنگ نیکوکاری برای ایجاد انسجام اجتماعی

در ایام همه­گیری کووید 19

مسعود زین­العابدین؛ دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

امیرحسین منصوری؛ دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

دکتر محمد ذبیحی؛ استاد دانشگاه قم

چکیده

مفهوم احسان یکی از مفاهیم جامع قرآنی است که می­تواند از طریق مفاهیم مرتبطش همچون ایمان، تقوا، اقامه نماز، ایتاء زکات، یقین به آخرت، شب­زنده­داری و استغفار در سحرگاهان، ظرفیت­های درونی افراد برای مقابله با مشکلات را افزایش دهد و از دیگرسو، با فعال کردنِ عناصری همچون عمل صالح، صبر، صدق، مجاهدت مالی و جانی در راه خدا، انفاق در راه خدا و دستگیری از سائل و محروم، و همچنین عفو، صفح و کظم غیظ مناسبات اجتماعی بین افراد را تقویت و تصحیح نماید و با افزایش انسجام اجتماعی و روحیه تعاون و دستگیری، به آنها در کاهش آلام ناشی از همه­گیری کرونا کمک کند. ما در این پژوهش به دنبال استخراج ویژگی­های درونی فضیلت نیکوکاری و احسان بودیم تا ببینیم این فضیلت واجد چه خصوصیات درونی است که باعث می­شود بتواند انسجام اجتماعی ایجد کند و انسان­ها را در ایام همه­گیری کووید19 یاری نماید. در این پژوهش با استفاده از آیات قرآن و کلام مفسران به چهار ویژگی اصلی دست یافتیم که عبارتند از عبور از مرز عدالت به تفضل، اتکا به عمل صالح تزایدی، کیفیت­بخشی به عمل صالح و انجام برترین اعمال با بهترین کیفیت، ویژگی پیش­برندگی و تکثیرشوندگی. این ویژگی­های درونی سبب می­شود تا این فضیلت بتواند نقشی مهم در ایجاد انسجام اجتماعی در جامعه داشته باشد.

واژگان کلیدی: احسان، نیکوکاری، کرونا، کووید19، تفضل، عمل\_صالح، انسجام اجتماعی

1. بیان مسئله

بیماری کووید 19 تغییرات عمده­ای را در شرایط و سبک زندگی انسان­ها ایجاد کرده است و علاوه بر پزشکان، جامعه­شناسان، مردم­شناسان، فلاسفه و روانشناسان را نیز به فکر فرو برده است که چگونه می­توان این تغییرات را تحلیل کرد و متناسب با شرایط زیست جدید جامعه، انسان­ها را برای مواجهه با این شرایط جدید راهنمایی کرد. بیماری کووید 19 با قرنطینه­های طولانی مدت، کاهش روابط اجتماعی و تعاملات انسانی، ایجاد الگوهای جدیدی در ارتباطات انسانی، تغییر سبک­های آموزش و تربیت، توسعه تصاعدی استفاده از فضای مجازی، آسیب به کسب و کارها و افزایش فشار اقتصادی و معیشتی بر تعداد قابل توجهی از انسان­ها و... مشکلات مختلفی را برای جوامع بشری ایجاد کرده است که حل و فصل آنها نیازمند بررسی­های نظری عمیق و فعالیت­های عملی متناسب با آن می­باشد. در چنین شرایطی بیش از پیش نیازمند افزایش انسجام اجتماعی و بسط فرهنگ نیکوکاری در بین جامعه هستیم. همچنین بایستی بررسی شود که آیا چنین شرایطی می­تواند سبب افزایش کیفیت زندگی ایمانی در انسان­ها گردد؟

در مقاله­ای که با عنوان «ظرفیت­های فرهنگ قرآنی احسان در مواجهه با همه­گیری کووید 19 در جامعه مومنین با تکیه بر معناشناسی احسان» نگاشته شده است، به این نتیجه دست یافته­ایم که از بین مفاهیم قرآنی، مفهوم احسان می­تواند مولفه­ای جامع و اثرگذار در ابعاد فردی و اجتماعی در مواجهه با همه­گیری بیماری کووید 19 باشد. در آن مقاله به این نتیجه رسیدیم که مفهوم احسان از جامعیتی برخوردار است که در ایام همه­گیری، خواهد توانست دسته وسیعی از مفاهیم دیگر در فرهنگ دینی و سبک زندگی جامعه اسلامی را فعال نموده و اثرات مثبت تربیتی داشته باشد. مفهوم قرآنی احسان می­تواند از طریق مفاهیم مرتبطش همچون ایمان، تقوا، اقامه نماز، ایتاء زکات، یقین به آخرت، شب­زنده­داری و استغفار در سحرگاهان، ظرفیت­های درونی افراد و قوت درونی آن­ها برای مقابله با مشکلات را در ایشان افزایش دهد و از دیگرسو، با فعال کردنِ عناصری همچون عمل صالح، صبر، صدق، مجاهدت مالی و جانی در راه خدا، انفاق در راه خدا و دستگیری از سائل و محروم، و همچنین عفو، صفح و کظم غیظ مناسبات اجتماعی بین افراد را تقویت و تصحیح نماید و با افزایش انسجام اجتماعی و روحیه تعاون و دستگیری، به آنها در کاهش آلام ناشی از همه­گیری کرونا کمک کند. احصاء فوق مبتنی بر آیات قرآن می­باشد و مستندات قرآنیِ مربوطه به دقت در آن مقاله آورده شده است و خوانندگان محترم می­توانند بدان مراجعه نمایند. لذا در این مقاله، نتایج مقاله­ای که ذکر کردیم را پیشفرض می­گیریم و اکنون در صدد واکاوی این مسئله هستیم که فرهنگ قرآنی احسان، چه ویژگی­های درونی دارد که به آن این امکان را می­دهد که اینگونه با دسته وسیعی از مفاهیم ارتباط معنایی برقرار کند و انسجام اجتماعی ایجاد کند و کیفیت زیست ایمانی را افزایش دهد.

تلاش خواهیم کرد تا قرآن کریم را منبع اصلی خود برای شناسایی ویژگی­های درونی مفهوم احسان قرار دهیم و اکنون با این نگاه، به بررسی اجمالی این پرسش­ها خواهیم پرداخت. ویژگی­های معناییِ موجود در احسان بدین شرح می­باشند:

1. احسان؛ مفهومی فراتر از عدالت

عدالت ایجاب می­کند هر کسی از حق خود برخوردار گردد و به تناسب شایستگی­اش، بهره­ای را داشته باشد، اما احسان، مفهومی فراتر از عدالت می­باشد. می­دانیم هرگونه انحراف، افراط، تفريط، تجاوز از حد، تجاوز به حقوق ديگران بر خلاف اصل عدل است. اما در طول زندگى انسان­ها مواقع حساسى پيش مى‏آيد كه حلّ مشكلات، به كمك اصل عدالت به تنهايى امكان­پذير نيست و در این­جاست که سخن از احسان به میان می­آید.

درباره­ی تفاوت عدل و احسان در *نهج­البلاغه* می­خوانیم: «العدل الانصاف، و الاحسان التفضل؛ عدل آن است كه حق مردم را به آن­ها برسانى، و احسان آن است كه بر آن­ها تفضّل كنى.»(نهج­البلاغه، حکمت231)

اکنون به این آیه توجه نمایید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إيتاءِ ذِي الْقُرْبى‏ وَ يَنْهى‏ عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛در حقيقت، خدا به دادگرى و نيكوكارى و بخشش به خويشاوندان فرمان مى‏دهد و از كار زشت و ناپسند و ستم باز مى‏دارد. به شما اندرز مى‏دهد، باشد كه پند گيريد.(نحل:90)

از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که «جماع التقوى فى قوله تعالى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ؛ جمع تقوا، در اين گفتارِ خدا است كه مى‏فرمايد: خداوند به عدل و احسان فرمان مى‏دهد.»(عروسی حریزی،1415ق،ج3،ص78) یعنی تقوا عبارت است از جمع عدل و احسان.

در آیه فوق ابتدا دستور به عدل و بعد از آن، دستور به احسان مطرح گردیده است. یعنی احسان مقوله­ای فراتر از عدل است و در جایی که عدل نیز نمی­تواند رفع­کننده­ی قفل­ها باشد، این احسان است که به کمک می­آید. علامه طباطبایی در این باره می­نویسد: «چون عدل به معناى مساوات در تلافى است؛ اگر خير است خير، و اگر شر است شر، و احسان به معناى اين است كه خيرى را با خيرى بيشتر از آن تلافى كنى، و شرى را به شرى كمتر از آن جواب گويى‏»(طباطبایی،1374،ج12،ص447) لذا می­بینیم که از منظر علامه طباطبایی، احسان مفهومی فراتر از عدل و مبتنی بر تفضل است.

*راغب اصفهانی نیز* در *مفردات الفاظ القرآن* مى‏گويد: احسان چيزى برتر از عدالت است، زيرا عدالت اين است كه انسان آن­چه بر عهده­ی او است بدهد، و آن­چه متعلَّق به او است بگيرد، ولى احسان اين است كه بيش از آن­چه وظيفه او است انجام دهد، و كم­تر از آن­چه حقّ او است بگيرد.(راغب،1412ق)

به عنوان مثال، بر اساس احکام ازدواج و طلاق در اسلام، عدالت ایجاب می­کند که حق هر کسی به او پرداخت شود و اگر کسی بر این اساس عمل نماید، نمی­توان هیچ خرده­ای بر او گرفت. اما اگر کسی فراتر از تعهدات فقهی و حقوقی را انجام دهد، او جزو محسنین خواهد بود. لذا در آیه 128 سوره نساء ضمن دعوت به صلح بیان می­شود که اگر احسان را مبنای کار خود قرار دهید و بر این اساس به صلح و تفاهم برسید بهتر است. پر واضح است که حقوق متقابل زن و شوهر کاملاً مشخص است و افراد می­توانند بر اساس آن عمل نمایند ولیکن در این آیه سخن از نوعی ایثار و ازخودگذشتگی است که به مراتب فراتر از عدل و حقوق رسمی است.[[1]](#footnote-1)

لذا مفهوم قرآنی احسان، با حرکت کردن از مرز عدالت به تفضل، می­تواند ظرفیت بزرگ فرهنگی در سبک زندگی انسان متدین برای بهبود کیفیت زندگی در شرایط کرونایی داشته باشد. این ویژگی درونی به احسان این ظرفیت را می­دهد که سبب شود فضیلت نیکوکاری در جامعه بسط پیدا کند و عمومیت پیدا کند؛ چرا که اگر این رویکرد در افراد وجود داشته باشد که در برابر بدی­ها با خوبی برخورد کنند و یا یک خوبی کوچک را با خوبی بزرگ­تر جبران کنند، این حس خوب و شیرین ترویج می­یابد و تبدیل به فرهنگ عمومی می­شود اما به عکس اگر آحاد جامعه بر خلاف این جهت عمل کنند، شاهد آثار زیان­باری در فرهنگ عمومی خواهیم بود که باعث می­شود هر کس صرفا به فکر تمتع بیشتر خود باشد.

1. عمل­بنیان بودن مفهوم احسان

مفسّرین، احسان را از جنس عمل صالح دانسته­اند. به این آیه دقت کنید:

وَ مَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقى‏ وَ إِلَى اللَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُور؛كسى كه روى خود را تسليم خدا كند در حالى كه نيكوكار باشد، به دستگيره­ی محكمى چنگ زده (و به تكيه‏گاه مطمئنى تكيه كرده است) و عاقبت همه­ی كارها به سوى خداست.(لقمان:22)

در *تفسیر نمونه* در این باره می­خوانیم:

«تعبير به "هُوَ مُحْسِنٌ" از قبيل ذكر عمل صالح بعد از ايمان است. چنگ زدن به دستگيره محكم، تشبيه لطيفى از اين حقيقت است كه انسان براى نجات از قعر درّه­ی مادي­گرى و ارتقاء به بلندترين قله‏هاى معرفت و معنويت و روحانيت نياز به يك وسيله محكم و مطمئن دارد اين وسيله چيزى جز ايمان و عمل صالح نيست. غيرِ آن، همه پوسيده و پاره­شدنى و مايه­ی سقوط و مرگ است، علاوه بر اين، آن­چه باقى مى‏ماند اين وسيله است، و بقيه همه فانى و نابودشدنى است»(مکارم شیرازی،1374، ج‏17، صص68-67)

در *المیزان* نیز آمده است:

«اسلام وجه به سوى خدا، به معناى تسليم آن براى اوست، به اين معنا كه انسان با همه­ی وجودش رو به خدا كند. و او را پرستش نمايد، و از ما سواى او اعراض كند، و كلمه "محسن" اسم فاعل از مصدر احسان است، و احسان به معناى به جا آوردن اعمال صالح است با داشتن يقين به آخرت»(طباطبائی،1374،ج‏16،صص345-344)

یا در آیه دیگری می­خوانیم:

وَ مَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثىَ‏ وَ هُوَ مؤمن فَأُوْلَئكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا\*وَ مَنْ أَحْسَنُ ديناً مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ وَ اتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْراهيمَ حَنيفاً وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْراهيمَ خَليلاً\*؛و كسى كه چيزى از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد يا زن، در حالى كه ايمان داشته باشد، چنان كسانى داخل بهشت مى‏شوند و كم­ترين ستمى به آن­ها نخواهد شد \* دين و آيين چه كسى بهتر است از آن كس كه خود را تسليم خدا كند، و نيكوكار باشد، و پيرو آيين خالص و پاكِ ابراهيم گردد؟ و خدا ابراهيم را به دوستىِ خود، انتخاب كرد\*(نساء:125-124)

همان­طور که می­بینیم در آیات فوق، ابتدا سخن از تأثير ايمان و عمل است و بیان می­شود که انتساب به هيچ مذهب و آئينى، به تنهايى اثرى ندارد. همچنین تسلیم وجه، احسان و تبعیت از آیین حنیف ابراهیم (ع) به عنوان بهترین دین معرفی می­شود. در *تفسیر اطیب­البیان* داریم:

«"وَ هُوَ مُحْسِنٌ" مقام عمل است و محسن مطلق كسى را گويند كه هيچ سيّئه از او صادر نشود و الّا صدق مسي‏ء مي­كند».(طیّب،1378،ج‏4،ص221)

در *تفسیر نمونه* نیز به نقل از *تفسیر نورالثقلین* حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که برای دریافت معنی احسان مفید به نظر می­رسد. ایشان در پاسخ این سوال که منظور از احسان چیست می­فرمایند: «ان تعبد اللَّه كانك تراه فان لم تكن تراه فانه يراه» یعنی احسان در اين آيه به اين است كه هر عملى در مسير بندگى خدا انجام مى‏دهى، آن­چنان باشد كه گويا خدا را مى‏بينى و اگر تو او را نمى‏بينى او تو را مى‏بيند و شاهد و ناظر تو است.

پس عمل صالح، جایگاهی کلیدی در ساختمان معنایی احسان دارد و این عمل صالح پرتعداد، می­تواند تبدیل به یک فرهنگ عمومی در جوامع شود و هر عمل صالحی، عمل صالح دیگری را ترویج و تبلیغ می­نماید و می­تواند فضای جامعه را تبدیل به فضای همدلی و همراهی در ابتلائات مختلف و از جمله همه­گیری کووید 19 نماید. عمل­بنیاد بودن مفهوم احسان سبب می­شود که این فضیلت از ویژگی درونی­ای برخوردار باشد که در سطح جامعه برون­داد ملموس پیدا کند. اگر نیکوکاری صرفا در مرحله ستایش نیکی و در نیت قلبی محدود بماند و برون داد عملی پیدا نکند، خاصیتی نخواهد داشت ولی می­بینیم که مفهوم احسان کاملا مبتنی بر عمل صالح است و وقتی این مفهوم محقق می­شود که تبدیل به یک عمل صالح در ارتباط با خود یا دیگران گردد. عمل­بنیاد بودن مفهوم احسان آن را تبدیل به یک فضیلت ممتاز نسبت به سایر فضیلت­ها می­کند.

1. احسان؛ انجام بهترین عمل با برترین کیفیت

گفتیم احسان، از جنس عمل صالح است ولی این عمل صالح چه مختصاتی دارد؟ یکی از مختصات این است که عمل محسنانه باید از روی کرامت و با کیفیت مطلوب صورت بگیرد. در تفسیر المیزان آمده است:

«... منظور از احسان اين است كه هر عملى كه انجام مى‏دهند خوب انجام دهند، اگر قتال مى‏كنند به بهترين وجه قتال كنند، و اگر دست از جنگ برمى‏دارند، باز به بهترين وجه دست بردارند، و اگر به شدّت يورش مى‏برند و يا سخت‏گيرى مى‏كنند، باز به بهترين وجهش باشد، و اگر عفو مى‏كنند به بهترين وجهش باشد».(طباطبائی،1374،ج‏2،صص94-93)

اکنون با این توضیح، به عنوان مثال به آیات زیر دقت نمایید:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصاصُ فِي الْقَتْلى‏ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنْثى‏ بِالْأُنْثى‏ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخيهِ شَيْ‏ءٌ فَاتِّباعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَداءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسانٍ ذلِكَ تَخْفيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدى‏ بَعْدَ ذلِكَ فَلَهُ عَذابٌ أَليمٌ؛اى افرادى كه ايمان آورده‏ايد! حكم قصاص در مورد كشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر كسى از سوى برادر (دينى) خود، چيزى به او بخشيده شود، (و حكم قصاص او، تبديل به خون­بها گردد،) بايد از راه پسنديده پيروى كند. (و صاحب خون، حال پرداخت­كننده­ی ديه را در نظر بگيرد) و او [قاتل‏] نيز، به نيكى ديه را (به ولى مقتول) بپردازد (و در آن، مسامحه نكند). اين، تخفيف و رحمتى است از ناحيه پروردگار شما! و كسى كه بعد از آن، تجاوز كند، عذاب دردناكى خواهد داشت.(بقره:178)

می­بینیم که این آیه به اولياى مقتول توصيه مى‏كند كه اگر از قصاص صرف­نظر كرده‏ايد در گرفتن خون­بها زياده­روى نكنيد و به طرز شايسته با توجه به مبلغ عادلانه‏اى كه اسلام قرار داده و در اقساطى كه طرف، قدرت پرداخت آن را دارد از او بگيريد. و از سوى ديگر با جمله «و أَداءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسانٍ» به قاتل نيز توصيه مى‏كند كه در پرداخت خون­بها روش صحيحى در پيش گيرد و بدهى خود را بدون مسامحه به طور كامل و به موقع اداء نمايد. پس «تأدیه باحسان» یعنی این­که احسان اقتضا می­کند که شخص کارش را کریمانه و با بهترین کیفیت انجام دهد.

در آیه دیگری داریم:

الطَّلاقُ مَرَّتانِ فَإِمْساكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْريحٌ بِإِحْسانٍ وَ لا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئاً إِلاَّ أَنْ يَخافا أَلاَّ يُقيما حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلاَّ يُقيما حُدُودَ اللَّهِ فَلا جُناحَ عَلَيْهِما فيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلا تَعْتَدُوها وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ طلاق(طلاقى كه رجوع و بازگشت دارد،) دو مرتبه است(و در هر مرتبه،) بايد به طور شايسته همسر خود را نگاهدارى كند(و آشتى نمايد)، يا با نيكى او را رها سازد(و از او جدا شود). و براى شما حلال نيست كه چيزى از آن­چه به آن­ها داده‏ايد، پس بگيريد مگر اين­كه دو همسر، بترسند كه حدود الهى را برپا ندارند. اگر بترسيد كه حدود الهى را رعايت نكنند، مانعى براى آن­ها نيست كه زن، فديه و عوضى بپردازد(و طلاق بگيرد). اين­ها حدود و مرزهاى الهى است. از آن، تجاوز نكنيد! و هر كس از آن تجاوز كند، ستمگر است.(بقره:229)

پس از بیان احکام عِدّه­ی زنان، برخی افراد براى اين­كه همسر خود را تحت فشار قرار دهند پى در پى او را طلاق داده و قبل از تمام ­شدنِ عِدّه رجوع مى‏كردند، و به اين وسيله زن را در تنگناى شديدى قرار مى‏دادند. آيه فوق در برابر اين عمل زشت و ناجوانمردانه مى‏فرمايد: طلاق دو مرتبه است. در هر يك از اين دو بار، يا بايد همسر خود را به طور شايسته نگاهدارى كند[[2]](#footnote-2) و آشتى نمايد، يا با نيكى او را رها سازد[[3]](#footnote-3) و براى هميشه از او جدا شود...

در *تفسیر نمونه* درباره «تسریح باحسان» آمده است:

«منظور از جدا شدن توأم با احسان و نيكى اين است كه حقوق آن زن را بپردازد و بعد از جدايى، ضرر و زيانى به او نرساند و پشت سر او سخنان نامناسب نگويد، و مردم را به او بدبين نسازد، و امكان ازدواج مجدد را از او نگيرد. بنابراين همان­گونه كه نگاهدارى زن و آشتى كردن بايد با معروف و نيكى و صفا و صميميت همراه باشد، جدايى نيز بايد توأم با احسان گردد».(مکارم شیرازی،1374،ج‏2،ص168)

در *اطیب­البیان* نیز می­خوانیم:

«تعبير به معروف و احسان به نحو تنكير بر نوع معروف و احسان يعنى حد اعلاى او دلالت دارد نه مجرّد صدق معروف و احسان، هر چند درجه­ی نازله­ی آن باشد. و تعبير به معروف در مورد رجوع و امساك، و (تعبیر به) احسان در مورد تسريح و رهايى شايد براى اين باشد كه رجوع، يعنى تجديد الفت و اتحاد و مودّت، بسيار محبوب و ممدوح و مطابق عرف است، ولى تسريح، يعنى جدايى و فرقت چون اقتضاى ضرورت است، بايد با احسان توأم باشد و رعايت حق زن بشود و ظلم و ستمى به او وارد نگردد».(طیّب،1378،ج2،ص460)

می­بینیم که طبق این آیات، عمل محسنانه عملی است که در نهایت کیفیت و اتقان و کرامت صورت پذیرد. اگر حکم قصاصی به خون­بها تبدیل شد، قاتل به موقع و به بهترین نحو دیه را بپردازد، و اگر بنا بر طلاق شد، این عمل، کریمانه و با رعایت عزّت و احترام صورت گیرد. به عبارتی، احسان انجام بهترین کار با برترین کیفیت است. یعنی بین عفو و قصاص، احسان ایجاب می­کند که عفو انتخاب شود (بهترین کار) و در انجام عفو، احسان ایجاب می­کند که این عمل به بهترین کیفیت (به دور از اذیت و آزار و...) انجام پذیرد.

چنین ویژگی کریمانه و ایده­آل گرایانه­ای می­تواند مفهوم احسان را تبدیل به یک مفهوم موثر و پیشبرنده در مقابله با پیشامدهای مختلف قرار دهد.

1. احسان؛ یک عامل پیش­برنده و تکثیرشونده

احسان یک عامل پیش­برنده و تکثیرشونده است. در احسان، سخن از عمل صالح است و شخص محسن، دائماً به دنبال ازدیاد و ارتقاء و صعود می­باشد. مناسبات او با خدایش، خودش، دیگران و حتی محیط پیرامونش کاملاً محسنانه است و نه تنها خوبی می­کند، بلکه در برابر هر خوبی، بهتر جبران می­کند و در برابر هر بدی، با خوبی و حسنه جبران می­کند. به آیات زیر توجه نمایید:

هَلْ جَزاءُ الْإِحْسانِ إِلاَّ الْإِحْسانُ؛آيا جزاى نيكى جز نيكى است؟(الرحمن:60)

یعنی در طریقه­ی احسان، دیگر سخن از بدی و سیئه نیست و هر احسانی با احسان پاسخ داده می­شود و به تعبیر دقیق­تر هر احسانی با احسانی بالاتر جبران می­شود. چرا که همانطور که قبلا ذکر شد، احسان نه بر اساس عدل بلکه بر مدار فضل است و احسانی که در پسخ به احسان داده می­شود، احسانی بالاتر است. چنین وضعیتی باعث می­شود که وقتی یک مصداق از احسان مثلا کمک مومنانه در جامعه رواج پیدا کرد، به صورت تصاعدی رشد کند و نوعی برانگیختگی عمومی در جامعه برای مشارکت در این امر خیر ایجاد شود و تعداد افراد زیادی نیز تلاش کنند تا به نوبه خود در این عمل صالح مشارکت کنند.

در طریقه­ی احسان، دائماً حرکتی صعودی در اصلاح بدی­ها و تبدیل آن­ها به خوبی­ها درجریان است و خداوند نیز کمک­کار این سیر صعودی است. به آیه زیر توجه کنید:

إِلاَّ مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْناً بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحيمٌ؛ مگر كسى كه ستم كند سپس بدى را به نيكى تبديل نمايد، كه (توبه او را مى‏پذيرم، و) من غفور و رحيمم.(نمل:11)

در آیه فوق، حسن و مقابلش سوء در حوزه عمل قرار دارند و سخن از عمل صالح در برابر عمل طالح است و از آیه برداشت می­شود که احسان به معنی سازوکاری برای اصلاح بدی­ها و تکثیر نیکی­ها در مقیاس وسیع است.

آیه­ی دیگری که نشان­گر این سیر ارتقایی است، آیه زیر می­باشد:

لَيْسَ عَلَى الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ جُناحٌ فيما طَعِمُوا إِذا مَا اتَّقَوْا وَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَ آمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَ أَحْسَنُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنينَ؛بر كسانى كه ايمان آورده و اعمال صالح انجام داده‏اند، گناهى در آن­چه خورده‏اند نيست(و نسبت به نوشيدن شراب، قبل از نزول حكم تحريم، مجازات نمى‏شوند)اگر تقوا پيشه كنند، و ايمان بياورند، و اعمال صالح انجام دهند سپس تقوا پيشه كنند و ايمان آورند، سپس تقوا پيشه كنند و نيكى نمايند. و خداوند، نيكوكاران را دوست مى‏دارد.(مائده:93)

در *تفسیر نمونه* درباره معنی این سه مرتبه از تقوا داریم:

«منظور از تقوا كه نخستين بار ذكر شده همان احساس مسئوليت درونى است كه انسان را به سوى تحقيق و بررسى درباره­ی دين و نگاه كردن در معجزه­ی پيامبر(ص) و جستجو درباره­ی حق مى‏كند و نتيجه­ی آن، ايمان و عمل صالح است. و به تعبير ديگر تا مرحله‏اى از تقوا در وجود انسان نبوده باشد، به فكر تحقيق و جستجوى حق نمى‏افتد... و دومين بار كه سخن از تقوا به ميان آمده اشاره به تقوايى است كه در درون جان انسان نفوذ مى‏كند و اثر آن عميق­تر مى‏گردد و نتيجه­ی آن، ايمان مستقر و ثابتى است كه عمل صالح جزء آن است، لذا در جمله دوم پس از ذكر ايمان سخنى از عمل صالح به ميان نيامده تنها مى‏فرمايد: ثُمَّ اتَّقَوْا وَ آمَنُوا ... يعنى اين ايمان به قدرى نافذ و ثابت است كه نيازى به ذكر عمل صالح در تعقيب آن نيست. و در مرحله سوم كه گفتگو از تقوا مى‏كند منظور، تقوايى است كه به مرحله­ی عالى خود رسيده به طورى كه علاوه بر دعوت به انجام وظائف حتمى، دعوت به احسان يعنى كارهاى نيك نيز مى‏كند حتى كارهايى كه از واجبات نيست».(مکارم شیرازی،1374،ج5،ص78)

طبق این بیان، می­بینیم که احسان حالتی است که فرد در آن ندای «هل من مزید» دارد و در مسابقه­ی کسب عمل صالح، سرعت گرفته است و به هیچ حدّی بسنده نمی­کند.

**جمع­بندی**

پرسش ما این بود که مفهوم قرآنی احسان، چه ظرفیت­های معنایی و ویژگی­های درونی دارد که به آن جامعیتی می­دهد که بتواند مجموعه وسیعی از ظرفیت­ها را نیز فعال نماید و در ایام همه­گیری کووید19 بتواند سبب ایجاد انسجام اجتماعی گردد؟ انسان محسن را مومن صالح العملی معرفی کردیم که بهره­مند از ایمان، تقوا، صبر، صدق است و انسانی است مجاهد، اهل انفاق، اهل ارتباط عاشقانه و عابدانه با پروردگار و موقن به آخرت. لذا درصدد شدیم تا بدانیم که احسان چگونه و چرا می­تواند این آثار را داشته باشد؟ با استفاده از آیات قرآن و نکاتی که مفسران مختلف قرآن بدان اشاره داشته­اند چند ویژگی را در ساختمان معنایی احسان شناسایی کردیم که از این قرارند:

* احسان، مفهومی فراتر از عدالت است و بر مدار تفضل قرار می­گیرد.
* عمل صالح جایگاه ویژه­ای در ساختمان معنایی احسان دارد و می­توان گفت که احسان از جنس عمل صالح است و این عمل صالح از جنسی است که حالت تزاید و لایقفی پیدا کرده است. محسن، فرد مومنِ صالح العملی است که به هیچ حدی از عمل صالح بسنده نمی­کند.
* احسان، انجام بهترین عمل با برترین کیفیت است
* احسان، یک عامل پیش­برنده و تکثیرشونده است.

این ویژگی­ها از احسان، مفهومی جامع می­سازد که می­تواند واجد اثرات فوق­الذکر گردد و واجد ویژگی ایجاد انسجام اجتماعی گردد، چرا که انسجام اجتماعی و وحدت و همدلی و همراهی مردم با یکدیگر در ایام همه­گیری کووید19 خواهد توانست جامعه انسانی را در برابر مخاطرات این ویروس کشنده مقاوم­تر کند. اگر جامعه­ای که همه­گیری در آن اتفاق افتاده است از وحدت و انسجام اجتماعی برخوردار باشند و انصاف و نیکوکاری در بین جامعه رواج داشته باشد و بخشی از فرهنگ عمومی آن محسوب شود، تنش­ها و اضطراب­ها در چنین جامعه کنترل شدنی است. مفهوم احسان چون بر مبنای تفضل است و در قالب عمل صالح برون­داد یافته، عمل بنیاد است و همچنین از آنجا که روی کیفیت عمل نیز تاکید دارد و به دنبال برترین اعمال با بهترین کیفیت است الگویی از زیست مومنانه را رواج می­دهد که آحاد جامعه بایستی به دنبال مسابقه احسان و نیکی به یکدیگر باشند. چنین فضیلتی تبدیل به یک عامل پیشبرنده و تکثیر شونده در جامعه می­شود و تکثیر عمل صالح و نیکوکاری در جامعه سبب می­شود تا آحاد جامعه با چشیدن زیبایی و شیرینی این فرهنگ، آن را بستایند و خود نیز در این فرایند مشارکت کنند. این مهم در تجربه مردم ایران در ایام همه­گیری کووید 19 به وضوح مشاهده شد و دیدیم که مفهوم احسان و کمک مومنانه انسان­ها به یکدیگر، بخشودن اجاره­بها، کمک به خانواده­هایی که به علت کرونا شغل و درامد خود را از دست داده­اند و... سبب ایجاد یک انسجام اجتماعی در جامعه ما شد و این قبیل نیکوکاری­ها تبدیل به یک فرهنگ گسترده شد که به سرعت تکثیر شد و در اقصی نقاط کشور انجام شد.

منابع

1. قرآن. ترجمۀ محمّدمهدیِ فولادوند.
2. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی
3. عروسی حریزی، عبدعلی. *تفسیر نورالثقلين*، ج3. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. قم: انتشارات اسماعیلیان. چاپ چهارم. (1415 قمری).
4. طیّب، سید عبدالحسین. *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. جلدهای 2 و 4 . تهران: انتشارات اسلام. چاپ دوم. (1378).
5. طباطبائی، محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه­ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی. جلدهای 2 و 12 و 16. قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعه‏ى مدرسين حوزه علميه قم. چاپ پنجم. (1374).
6. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع­البيان في تفسير القرآن. ترجمه­ی مترجمان، تحقیق رضا ستوده. جلد 4. تهران: انتشارات فراهانی. چاپ اول. (1360).
7. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. *مفردات ألفاظ القرآن*. دمشق: دارالقلم. چاپ اول. (1412 قمری).
8. مکارم شیرازی، ناصر. *تفسیر نمونه*. جلدهای 2 و 5 و 17. تهران: دار الكتب الإسلامي. چاپ اول. (1374).

1. . همچنین در آیه 236 سوره بقره در پرداخت مهریه، دعوت به احسان شده است. [↑](#footnote-ref-1)
2. . طبق *تفسیر نمونه*؛ امساك به معنى نگهدارى است. [↑](#footnote-ref-2)
3. . طبق *تفسیر نمونه*؛ تسريح به معنى رها ساختن است. [↑](#footnote-ref-3)